****

[ادامه بحث تعارض روایات درباره کفایت وقوف اضطراری در مشعر 1](#_Toc488924591)

[کلام محقق خویی ره 1](#_Toc488924592)

[نقد کلام محقق خویی ره 2](#_Toc488924593)

[نظر مختار 6](#_Toc488924594)

**موضوع**: احکام وقوف /وقوف در مشعر /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث تعارض روایات درباره کفایت وقوف اضطراری در مشعر

بحث راجع به تعارض روایات درباره کفایت وقوف اضطراری در مشعر بود

مشهور قائل به عدم کفایت شدند، مگر نسبت به کسی که لااقل وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد، او اگر تا طلوع شمس نتواند به مشعر بیاید، اما قبل از زوال شمس درک وقوف مشعر کند، حجش صحیح است، اما اگر اصلا عرفات را درک نکرده و مشعر را بعد از طلوع شمس درک کند، حجش صحیح نیست و مبدل به عمره مفرده می شود.

اما برخی بزرگان همچون شهید ثانی قائلند که ادراک وقوف اضطراری مشعر به تنهایی در صحت حج کافی است و محقق خوئی نیز همین نظریه را تایید کرده است

### کلام محقق خویی ره

خلاصه مطالب محقق خوئی این بود که ولو ظاهر طائفه اولی که معیار را طلوع شمس قرار داده، بیان حکم معذور است، زیرا تعبیر به من ادرک و فاته دارد و نسبت به این شخص حکم به کفایت کرده، و در طائفه ثانیه هم تعبیر ادرک و فاته آمده و ظاهرش این است که در مورد معذور وارد شده است، و لکن خطاب سومی هم داریم که صریح در این است که اگر معذور، وقوف اضطراری نهاری در مشعر را درک کند، حجش صحیح است و آن معتبره فضل بن یونس بود که البته مورد آن شخصی است که توسط سلطان ظالم حبس شده است، اما عرف الغاء خصوصیت به دیگر اعذار می­کند. این معتبره قرینه می شود بر این که طائفه اولی که تعبیر ادرک و فاته دارد، مقصود از آن خلاف ظاهرش است، مقصودش این است که اگر در رسیدن به قبل از طلوع آفتاب به مشعر مختار بوده، و فقط نسبت به وقوف به عرفات معذور بوده است، حجش باطل است.

#### نقد کلام محقق خویی ره

به نظر ما جمع مذکور در کلام محقق خوئی، عرفی نیست، صحیحه حلبی می گوید اگر کسی مشعر آمد، در حالی که عرفات از او فوت شده، خدا به قبول عذر او اولی بوده و حج او صحیح است، به شرط این که ادراک وقوف به مشعر قبل طلوع آفتاب بکند، و گرنه حج از او فوت می شود، معتبره فضل بن یونس می­گوید شخصی نتوانسته وقوف به عرفات و وقوف قبل طلوع آفتاب به مشعر را درک کند و حضرت فرموده مانعی ندارد و می تواند بعد طلوع شمس به مشعر بیاید و حجش صحیح است، عرف بین این دو خطاب نمی­تواند جمع کند، حمل صحیحه حلبی بر غیر معذور، جمع عرفی نیست، بله، ممکن است مراد جدی همین باشد، اما ما موظف به عمل به جمع عرفی هستیم و نه این که جمع تبرعی کنیم، لذا اخراج فرد معذور از صحیحه حلبی عرفی نیست، صحیحه حلبی بعد از عمل انجام شده، در مقام بیان حکم آن است و نه ارشاد به این که در چه موردی حج صحیح یا باطل است.

البته روایات طائفه ثانیه، یک سنخ نیست، برخی از این روایات، قابل حمل بر فرض ادراک وقوف به عرفات، ولو وقوف اضطراری می باشد، مثل صحیحه جمیل: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ يَوْمَ النَّحْرِ- مِنْ قَبْلِ زَوَالِ الشَّمْسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ.[[1]](#footnote-1)

عرفی است که بگوییم این روایت از حیث وقوف به مشعر می خواهد مشکل را حل کند و می فرماید اگر کسی شب و همچنین روز تا اذان ظهر درک مشعر نکند، حجش باطل است، ولو درک وقوف به عرفات کرده باشد، اما کسی که درک مشعر قبل از زوال شمس کند، از حیث ادراک مشعر مشکلی ندارد، اما قابل حمل است بر فرض ادراک وقوف به عرفات، ولو وقوف اضطراری، البته صحیحه جمیل اطلاق دارد، اما قابل حمل بر فرض مزبور می باشد.

اما برخی روایات مثل صحیحه عبد الله بن المغیرة ممکن است مثل صحیحه جمیل توجیه شود، زیرا در آن آمده لم ادرک الناس بالموقفین، نگفته لم ادرک الموقفین، بلکه شاید زمانی به عرفات رسیده که آفتاب غروب کرده و مردم از عرفات خارج شده اند و وقتی هم به مشعر رسیده که آفتاب طلوع کرده و مردم از مشعر خارج شده اند، در این صورت حضرت می فرماید اگر قبل از زوال شمس درک مشعر کرده، حجش صحیح است، و گرنه حجش باطل است و لذا اطلاق این صحیحه نیز قابل تقیید است.

اما معتبره فضل بن یونس، یک روایت ظنی الصدور است که در مقابل روایات قطعی الصدور اجمالا در طائفه اولی که قابل حمل نیست، قرار گرفته و اصلا اعتبار ندارد، خصوصا که اصحاب نیز از این خبر اعراض کرده اند، مگر شیخ صدوق و سید مرتضی.

علت این که خبر ظنی الصدور تاب مقاومت در مقابل روایات قطعی الصدور و لو اجمالا ندارد، به نظر محقق خوئی این است که خبر قطعی الصدور، سنت است و خبر ظنی الصدور مخالف سنت می شود و در روایات آمده ما خالف السنة فهو مردود، البته این علت را ما قبول نداریم، بلکه سنت به نظر ما ظاهر در کلام النبی صلی الله علیه و آله است.

علت دیگر این است که دلیلی که می گوید ما خالف الکتاب فهو مردود، به قول مرحوم صدر، کتاب در مقام کاشفیت از واقع خصوصیتی ندارد، اگر کلام معصوم قطعی الصدور باشد، مثل کتاب می شود و اگر کلام معصوم ظنی الدلالة باشد، کتاب هم ظنی الدلالة است و لذا وقتی گفته می شود ما خالف الکتاب فهو مردود، از آن الغاء خصوصیت می شود به کلام قطعی الصدور امام معصوم علیه السلام، البته به شرط این که همچنان که در کتاب، احتمال تقیه نمی رود، در کلام معصوم هم احتمال تقیه نرود، در ما نحن فیه نیز احتمال تقیه نیست، زیرا اصلا عامه برای وقوف به مشعر حساب چندانی باز نمی کنند، بلکه برای آن ها وقوف به عرفات اهمیت دارد، لذا روایت فضل بن یونس مخالف روایات قطعی الصدور و الجهة است، ولو ظنی الدلالة باشند، فهو مردود.

علت سوم نیز مقبوله عمر بن حنظلة است: ... يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رِوَايَاتِهِمَا عَنَّا- فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَا بِهِ- الْمُجْمَعَ عَلَيْهِ عِنْدَ أَصْحَابِكَ- فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا- وَ يُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ- فَإِنَّ الْمُجْمَعَ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ ... [[2]](#footnote-2)

این روایت بر مقام تطبیق می شود، زیرا معتبره یونس می گفت: و کان اصحابنا یقولون من ادرک المشعر قبل طلوع الشمس فقد ادرک الحج.

و بر فرض غمض عین از این مطالب، اگر معتبره فضل بن یونس با طائفه اولی تعارض و تساقط کنند، و یا هر دو طائفه با هم تعارض و تساقط کنند، مقتضای قاعده این است که من لم یدرک المعشر قبل طلوع الشمس لم یدرک الحج، زیرا صحیحه ضریس بن اعین چنین حکمی کرده است. (بیان محقق خوئی را نمیگوییم که بعد از تعارض، مرجع یا مرجح آیه ثم افیضوا من حیث افاض الناس است)

مَا رَوَاهُ مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ ضُرَيْسِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ مُتَمَتِّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَلَمْ يَبْلُغْ مَكَّةَ إِلَّا يَوْمَ النَّحْرِ فَقَالَ يُقِيمُ عَلَى إِحْرَامِهِ وَ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ حِينَ يَدْخُلُ مَكَّةَ وَ يَطُوفُ وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَنْصَرِفُ إِلَى أَهْلِهِ إِنْ شَاءَ وَ قَالَ هَذَا لِمَنِ اشْتَرَطَ عَلَى رَبِّهِ عِنْدَ إِحْرَامِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنِ اشْتَرَطَ فَإِنَّ عَلَيْهِ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ.[[3]](#footnote-3)

امام علیه السلام درباره کسی که یوم النحر به مکه رسیده، نفرمود برود قبل زوال شمس مشعر را درک کند، بلکه فرمود یقیم علی احرامه، یعنی حجش بی حج، و اطلاق دارد، چه قبل از ظهر و چه بعد از ظهر، این عام فوقانی است، زیرا اگر دلالت معتبره فضل بن یونس تمام می شد، این روایت را بر کسی که نمی تواند قبل اذان ظهر به مشعر بیاید حمل می کردیم، اما بعد از تعارض و تساقط، صحیحه ضریس، عام فوقانی می شود.

صحیحه معاویة بن عمار نیز بر همین مطلب دلالت دارد: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَصْبِحْ عَلَى طُهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ- فَقِفْ إِنْ شِئْتَ قَرِيباً مِنَ الْجَبَلِ وَ إِنْ شِئْتَ حَيْثُ تبیت ... [[4]](#footnote-4)

ظاهر صحیحه این است که وقوف قبل طلوع شمس در مشعر، جزئیت مطلقه دارد و اطلاق آن اقتضاء دارد که با انتفاء جزء، حج هم منتفی شود.

### نظر مختار

لذا اقوی همان است که مشهور گفته اند و مرحوم امام و آیت الله سیستانی و زنجانی نیز همین نظریه را دارند.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 40؛ 23 باب حكم من فاته الوقوف بعرفة و بالمشعر قبل طلوع الشمس ؛ ج 14، ص : 37](http://lib.eshia.ir/11025/14/40) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌27؛ 106؛ 9 باب وجوه الجمع بين الأحاديث المختلفة و كيفية العمل بها ؛ ج 27، ص : 106](http://lib.eshia.ir/11025/27/106) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الاستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ ج‌2؛ 308؛ 211 باب ما يجب على من فاته الحج ؛ ج‌2، ص : 306](http://lib.eshia.ir/11002/2/308) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 20؛ 11 باب وجوب الوقوف بالمشعر بعد الفجر و استحباب الوقوف على طهارة و الإكثار من الذكر و الدعاء بالمأثور ؛ ج 14، ص : 20](http://lib.eshia.ir/11025/14/20) [↑](#footnote-ref-4)